

۲- آقای دکتر احمد رنجبر در تاریخ  
۵۲/۱/۲۸ رساله دکتری خود را تحت عنوان  
«شهرها و دینه‌های خراسان بزرگ» که به راهنمایی  
دکتر آذرنوش تهیه کرده بود، با درجه بسیار  
خوب گذرانید.

خطابه‌ای که دکتر رنجبر در جلسه دفاع  
ایراد کرد، هم معرف گویای این رساله هفتصحه  
صفحه‌ای و هم مقاله جالبی در روش تحقیق  
کتابشناسی برای خراسان کهن است. آقای رنجبر  
دانشجویی پرکار و با استعداد بود و اکنون که  
در زمره دانش‌آموختگان این دانشکده قرار گرفته،  
یقین است که با ادامه تحقیقاتی از این دست و  
حتی بهتر از این، بیش از پیش احراز شایستگی  
خواهد نمود. «مقالات و بررسیها» برای تشویق  
محققان جوان، نشر این خطابه را در دستورکار  
خود قرار داد.

## شهرها و دیه‌های خراسان بزرگ

در باره نواحی و روستاهای ماوراءالنهر و خراسان قدیم کتاب‌های متعددی ، بخصوص از جانب مستشرقین روسی انتشار یافته است ، و اگرچه نام این کتاب‌ها با یکدیگر تفاوت دارد ، ولی در واقع بیشتر مطالب آنها در باره وضع تاریخی این سرزمین‌ها است ، حتی استاد «بارتولد» مستشرق معروف در کتاب «آیاری ترکستان» که چنانکه از اسمش پیداست باید در باره رودها ، نهرها ، قنات‌ها و طریقه استفاده از آنها باشد ، بیشتر به جنبه تاریخی توجه نموده است . بنابراین ، هنوز تحقیقات بسیار دامنه‌داری ضرورت دارد . . . پژوهنده‌ای که می‌خواهد در باره ماوراءالنهر و خراسان مطالعه کند ، باید مدارک و مآخذ زیادی به دست آورد و به قول «بیهقی» انگشت در کند و صیحیح آن را بجوید تا بتواند کتاب خود را بر پایه و اساسی استوار بیافریند که دیگران را مفید واقع شود . بنابراین ، من نمی‌توانم ادعا کنم که در این باره تحقیقی دقیق و بی‌عیب و نقص انجام داده‌ام و کار پژوهش را در این زمینه به کمال رسانده‌ام ، و با انتشار این کتاب ، دیگر احتیاج به تحقیق در باره ماوراءالنهر و خراسان قدیم نیست .

هدف من آنست که این تحقیق را حتی المقدور دنبال کنم ، و این مختصر را زمینه کار خود و بنیانی در راه تحقیق مطالب و مدارک زیاد و تا اندازه‌ای مبهم قرار دهم . در واقع این کار مقدمه‌ای است برای تعیین راه پژوهشها و بررسی‌های آینده . . .

در نگارش این رساله با مشکلات فراوان و متعددی مواجه شده‌ام که یکی از آنها دقیق نبودن مآخذ بوده است ، با آنکه کتاب‌های

تاریخی و جغرافیائی که در این باره نوشته شده و هم اکنون موجود است زیاد و متنوع می‌باشد، اما از روی آنها نمی‌توان دوره‌های تاریخی نواحی خراسان و ماوراءالنهر را به طور کامل تعیین نمود، مثلاً «تاریخ بیهقی» دارای اسامی گوناگون و مختلفی است که تعداد زیادی از آنها در هیچ یک از کتاب‌های تاریخی و جغرافیائی دیده نمی‌شود و تنها از قراین می‌توان تشخیص داد که ممکن است این روستا در فلان ناحیه قرار داشته باشد، و بسیاری از مطالب است که شاید به‌طور کلی مبهم و نامفهوم باقی بماند، چون می‌دانیم تمدن نواحی ماوراءالنهر و خراسان یک تمدن بسیار قدیمی و پیچیده‌ای است، بارها دستخوش جنگها و ستیزه‌های اقوام و ملل گوناگون قرار گرفته و از بین رفته است و مجدداً معمور و آباد شده است، اگر اسکندر به این سرزمین حمله می‌کند شهرهائی را نابود می‌سازد، و جایهائی را آباد می‌کند، اعراب در دفعاتی چند به این سرزمین حمله می‌کنند، برخی نواحی را از بین می‌برند، یا دستور به ساختن و بنای نواحی دیگر می‌دهند طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان نیز به عمران و آبادانی و گاهی به تخریب این نواحی مبادرت می‌ورزند، قوم مغول و تاتار سعی دارند که این نواحی را به طور کلی ویران و خراب کنند، و . . . .

بنابراین، ماوراءالنهر و خراسان سرزمینی نیست که بتواند از نظر تحقیق وضع ثابت و مشخصی داشته باشد، یعنی راه فردی که می‌خواهد در این باره تحقیق کند هموار نیست. تاریخ نویسان و جغرافی دانان که در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته‌اند و اوضاع و احوال هر یک از نواحی این سرزمین را در زمان خود تشریح کرده‌اند فراوان‌اند، اما متأسفانه باید گفت: درست است که در این

باره کتاب های متعدد تاریخی و جغرافیائی به رشته تحریر درآمده ، دانشمندان بزرگ ایران و دیگران عمر عزیز خود را در این راه صرف کرده اند ، ولی چون کتاب ها به طور صحیح و دقیق به دست ما نرسیده و هرکس بنا به میل و ذوق خود موضوع و مطلب کتاب را تغییر داده است ، تشخیص مطالب صحیح از سقیم ، کاری بس دشوار است . از طرف دیگر بعضی از جغرافیا نویسان از کتب اسلاف خود که نامی از آنها نیز نمی برند اقتباس کرده اند و می توان گفت که در بعضی از موارد تنها به نقل گفته های پیشینیان اکتفا کرده و در بسیاری از مطالب به نقل تاریخ صحیح وقایع ، چندان توجهی نکرده اند . ممکن است گفته شود شاید این تقیصه را کتاب های تاریخی که در این دوره ها نوشته شده جبران کند ، اما این امر هم محال است چون اگر چه کتاب های تاریخی در این باره کمک های زیادی به ما می کند ولی هیچوقت نمی تواند جای خالی کتاب های جغرافیائی را پر کند .

در هر حال اگر چه اطلاعات حاصله از این مأخذ تا آن اندازه که مورد انتظار است ما را بی نیاز نمی کند ، بالاچار باید این مقاله را بر پایه آنها بنیانگذاری کرد . . .

منابع و مأخذی را که بیشتر مورد توجه این بنده بوده به سه دسته کلی می توان تقسیم کرد :

۱ - منابع تاریخی ۲ - منابع جغرافیائی ۳ - سفرنامه ها  
که از این سه دسته ، منابع تاریخی بیشتر مورد توجه و استفاده قرار گرفته است .

کتاب های تاریخی را به چند دوره می توان تقسیم کرد :  
دوره اول : کتاب هایی که تا قرن پنجم هجری نوشته شده

مانند «تاریخ یعقوبی»، «تاریخ طبری»، «تاریخ گردیزی»، «تاریخ بیهقی» و . . .

این کتاب‌ها برای نشان دادن اوضاع و احوال منطقه‌ی خراسان و ماوراءالنهر قابل توجهند، زیرا نویسندگان آنها در روزگاری می‌زیستند که سرزمین‌های خراسان و ماوراءالنهر تحت تسلط حکمرانان اسلامی قرار داشت، و پیش از آن مسلمان‌ها برای فتح این نواحی لشکرکشی کرده و به مناسبت، گاه‌گاه‌ها، مواقع جنگ و محل‌هایی که به دست مسلمین مفتوح شده، یا جنگ در آنها اتفاق افتاده، با ذکر همه‌ی مشخصات، حدود و اوضاع و احوال آن‌ها را بیان می‌دارند.

دوم: کتاب‌های تاریخی است که در دوره سلجوقیان و بعد از آن در زمان تسلط چنگیز و تیمور نوشته شده است، اینها نیز از جهاتی چشمگیر و قابل استفاده است مانند: «کامل التواریخ» ابن‌اثیر، «تاریخ جهانگشای جوینی»، «جامع التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله همدانی، «مجمل التواریخ»، و . . .

سوم: کتاب‌هایی که بعد از حمله‌ی تیمور در زمان صفویه نوشته شده است مانند: «عالم‌آرای عباسی» اسکندر بیگ منشی، «عالم‌آرای صفوی» و . . .

چهارم: کتاب‌هایی که از زمان بازگشت ادبی تا اوایل قرن چهاردهم نوشته شده است، مانند: «ناسخ التواریخ» سپهر و . . . پنجم: کتاب‌های تاریخی که در عصر حاضر به رشته تحریر درآمده است.

این پنج دسته از کتاب‌های تاریخی هر یک به نوبه خود دارای اهمیت می‌باشد، و بیشتر اهمیت آن‌ها از آن جهت است که

نشان می‌دهد مثلاً فلان قریه یا روستا، چه تغییری کرده است و آیا در تمام دوران‌ها وجود داشته یا نه .

قبل از اینکه به بحث خود در این مورد خاتمه دهیم، شایسته است این نکته را نیز متذکر شویم که تعدادی از مورخین عصر حاضر نیز اقدام به نوشتن کتاب‌های تاریخی کرده‌اند که در قسمت پنجم به آن اشاره شد ، نمونه‌ی این کتاب‌ها «الفتوحات الاسلامیه» است که در نیمه‌ی دوم قرن چهاردهم هجری توسط مفتی مکه نوشته شده است . این نویسندگان نیز چون در زمینه‌ی تاریخی کار کرده‌اند ، و به مناسبت نام شهرها و روستاهایی را ذکر نموده‌اند در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند .

۲ - سفرنامه‌ها - بعد از کتاب‌های تاریخی ، می‌توان سفرنامه‌ها را جزو مآخذ اصلی این رساله قرار داد ، زیرا هم زمینه تاریخی دارند و هم مطالب جغرافیایی .

به نظر من سفرنامه‌ها به مراتب از کتاب‌هایی که منحصرراً جنبه جغرافیایی دارند ارزشمندتر و مفیدترند ، چون مؤلفین سفرنامه‌ها آنچه را با چشم خود دیده و مشاهده کرده‌اند ، در کتاب‌هایی به این نام ثبت کرده‌اند ، مثلاً ناصر خسرو قبادیانی که در قرن پنجم هجری سفرنامه‌ای نوشته ، نواحی مختلفی مانند بلخ و بخارا و . . . را با چشم خود دیده و طول و عرض آن‌ها را پیموده یا مطالبی را از افراد موثق شنیده سپس مجموع این دیدنها و شنیدنها را در سفرنامه‌ی خود آورده است .

در بیان اهمیت سفرنامه‌ها ، خوب است جمله‌ای را از ناصر خسرو

بیاوریم :

«و این سرگذشت آنچه دیده بودم به راستی شرح دادم و بعضی که به روایتها شنیدم اگر در آنجا خلاقی باشد خوانندگان از این ضعیف ندانند و مؤاخذت و نکوهش نکنند...» (صفحه آخر سفرنامه)

بنا بر این می توان از همین عبارت نتیجه گرفت که سفرنامه نویسی مانند ناصر خسرو، در تنظیم و نگارش مطالب و تألیف کتاب خود، رعایت صداقت را کرده و مسائل گوناگون، بخصوص مسائل جغرافیایی را پس از بررسی کامل نوشته است. نگارنده در هیچ یک از قسمتهای این کتاب مخصوصاً در خلال مطالب جغرافیایی هرگز سخن نابجا و مغرضانه یا حدیثی خرافی و افسانه آمیز ندیده است: این است که سفرنامه ها را بعد از کتب تاریخی جزو مآخذ درجه اول قرار دادیم.

البته ما نمی خواهیم واژه سفرنامه را به طور اعم با چنین اطمینانی مورد استفاده قرار دهیم، زیرا چه بسیار سفرنامه هایی وجود دارد که فقط نام سفرنامه بر آن است و کمتر صداقت و درستی در آن یافت می شود مانند «سفرنامه مارکوپولو» که بیشتر به افسانه شبیه است یا «سفرنامه ی موريس دو کورتزبوئه» که عنوان آن «مسافرت به ایران» است. مثلاً دو کورتزبوئه در بسیاری از موارد مطالبی را نقل می کند که مردم کوچک و بازار و افراد عادی آن ها را بهتر و کاملتر می دانند؛ آنجا که می گوید: «مملکت ایران همیشه گرفتار اغتشاشات داخلی و جنگهای بی پای بوده است، در میان سلاطین اخیر سرزمین ایران تیمور لنگ یا نادر شاه، شاه عباس کبیر و فتحعلیشاه را می توان بزرگتر از همه دانست که آخری هنوز به سلطنت باقی است، آن دو پادشاه مملکت را به ضرب شمشیر توسعه داده و ملک را از تعرض بیگانگان خلاص کردند، ولی فتحعلیشاه صلح طلب و طرفدار سعادت و راحتی ملت خویش است» (ص ۱۶۸ کتاب). همو در جای دیگر گوید: «طول ماه رمضان دو ماه و اقامت ما در...» (ص ۱۲۶ کتاب).

می‌بینیم نویسنده در کار خود دقت عمل به خرج نداده است، نادرشاه و تیمور لنگ را یکی دانسته ، یا مدت روزه را در سال دومه حساب کرده است ، مطالب جغرافیایی را هم از روی همین دو مثال می‌توان قیاس کرد .

مثال دیگری از این بطوطه : «...از بسطام به راه هندرفتم به قریه‌های قندوس و بغلان که در شمال افغانستان است رسیدم...» و جای دیگر گوید : «...از نیشابور به بسطام رفتم...» در جمله اول پیداست که قصد رفتن به هند را داشته پس نباید به بسطام رفته باشد ، زیرا بسطام در حدود هشتاد فرسخی غرب نیشابور است . شاید ترتیب مسافرت چنین بوده است ( زاوه، بسطام ، نیشابور ، طوس، مشهد سرخس ، هند ) .

پس می‌توان گفت سفرنامه این بطوطه نیز که در ردیف بهترین سفرنامه‌ها است اشتباه دارد ، از این جهت به تمام سفرنامه‌ها نیز اعتماد نتوان کرد .

۳ - کتاب‌های جغرافیایی - بعد از کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها ، کتاب‌های جغرافیایی را جزو مأخذ اصلی این رساله قرار داده ایم . کتاب‌های جغرافیایی را باید به دو قسمت متمایز و جدا از هم تقسیم کرد :

اول کتاب‌هایی که در قرون اولیه اسلامی نوشته شده است، مؤلفین این کتاب‌ها سعی داشتند مناطقی را که دیده‌اند یا از افراد موثق اوضاع و احوال آن‌ها را شنیده‌اند ، پس از کسب اطمینان کامل آن نام را در کتاب بیاورند ، برای نمونه از کتاب « صورالاقالیم » ابوزید بلخی و « المسالک والممالک » استخری نام می‌بریم ، این کتاب‌ها مفید و کاملاً مورد استفاده است ، و به‌طور یقین می‌گوییم اشتباهاتی



که در این کتاب‌ها به چشم می‌خورد نباید از خود مؤلف باشد، بلکه بعد از تألیف، دیگران آن‌ها را تحریف کرده و به صورت غلط درآورده‌اند. دسته دوم کتاب‌هایی است که شاید بتوان گفت رونویسی یا استنساخ از کتاب‌های گروه اول شده است.

بنابراین از نظر درجه‌ی اهمیت فقط همان کتاب‌های جغرافیایی قرون اولیه‌ی اسلامی مورد توجه است و بس، در صورتی که کتاب‌های تاریخی چنین نیستند و هر کدام در جای خود اهمیت دارند.

این نکته را نباید ندیده گرفت که کتاب‌های جغرافیایی نیز مطالبی گوناگون و متنوع دارند و چه بسا که «یاقوت حموی» نام شهرهایی را از ماوراءالنهر در «معجم البلدان» آورده و توصیف کرده که در قرن سوم هجری وجود نداشته است یا «حافظ ابرو» در قرن هشتم، نام بسیاری از روستاها و نواحی را ذکر می‌کند که حتی در یک قرن قبل از او وجود نداشته‌اند، این مطلب روشنگر آن است که در قرن قبل، روستایی بدین نام نبوده یا نامی دیگر داشته است و اکنون تغییر نام پیدا کرده است، اینها همه اهمیت کتاب‌های جغرافیایی را می‌رساند.

ع - کتاب‌های اجتماعی و سیاسی - این دسته از کتاب‌هایی که زیاد مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نه جنبه‌ی تاریخی دارند، نه جنبه‌ی جغرافیایی و نه چگونگی سفرنامه‌ها را. چون موضوع اصلی این کتاب‌ها در زمینه‌های اجتماعی است، اما نویسندگان آن‌ها گاهگاه مطالبی را بیان می‌کنند که از نظر پژوهش و کارما اهمیت فراوان دارد، به طوری که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد؛ از آن جمله است «سیاستنامه»ی خواجه نظام‌الملک، در پایان این کتاب

بعثی در باره‌ی پیدایش بعضی از مذاهب است ، مثلاً در باره‌ی مذهبی که «مزدک» مؤسس آن بوده است یا مذهبی که «سند بادگیری» به وجود آورده مطالبی دارد . درست است که منظور نویسنده از این مطالب تنها جنبه مذهبی آن بوده ، اما چون در ضمن شرح مطلب اشاره می‌کند که مزدک در فلان شهر و سند بادگیری از فلان ناحیه قیام کرده است یا زادگاه او فلان جاست ، لذا این کتاب و امثال و نظایر آن از نظر کارما اهمیت می‌یابد .

ه - تحقیقات و پژوهشهای مستشرقین در عصر حاضر- اگرچه پژوهشهای مستشرقین ممکن است مستقلاً در باره‌ی هر یک از جنبه‌های چهارگانه‌ی بالا باشد ولی در اینجا تقسیم‌بندی آن‌ها به کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی و اجتماعی و یا سفرنامه‌ها لازم به نظر نرسید . فقط می‌گوییم که دانشمندان روسی در این قرن کتاب‌های متعددی در زمینه‌ی کار ما نوشته‌اند و تحقیقات آن‌ها در باره‌ی مسائل مختلف شهرهای ماوراءالنهر و خراسان مورد توجه ارباب فضل و دانش قرار گرفته است ، ما نیز زحمات آن‌ها را در این زمینه می‌ستاییم زیرا رنج برده‌اند ، تحقیق کرده‌اند و عمر خود را در این راه صرف نموده‌اند . اما جز تعداد معدودی از کارهای آنان جنبه‌ی ابتکاری ندارد، مثلاً کتاب «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» جز در چند مورد که نویسنده به محل مورد نظر مسافرت کرده و اوضاع و احوال آنجا را با چشم خود دیده ، و آنچه را که دیده به رشته تحریر در آورده است - آن هم اگر جنبه‌های مغرضانه نداشته باشد - در موارد دیگر ابتکاری به چشم نمی‌خورد ، یا اگر به کتاب‌های استاد بارتولد که از معروفترین مستشرقین قرن حاضر است نظر افکنیم خواهیم دید ، اگرچه کتاب‌های این استاد بزرگ نام جغرافیایی دارد ، ولی اغلب جنبه تاریخی به خود

گرفته است، برای نمونه کتاب «آیاری در ترکستان»، یا کتاب «ترکستان»، یا «تذکره جغرافیای تاریخی ایران» را نام می‌بریم. در این کتاب‌ها اغلب مطالب شبیه یکدیگر است و فقط نام کتاب عوض شده است. البته گفتاری جسارت‌آمیز است که ما بگوییم این استاد بزرگ و این مستشرق مشهور، در این راه کار و کوشش نکرده است، زیرا بدون تردید زحمت کشیده و کار کرده است و کتاب‌های او از مراجع اصلی و دست‌اول به شمار می‌آید و درحقیقت پژوهشهای استاد بارتولد پژوهشی است در نوبه خود قابل توجه و درخور تقدیر.

۶ - ماخذی را که تاکنون نام بردیم جنبه عمومی داشتند یعنی اغلب آن‌ها دارای مطالبی در باره همه یا اکثر نواحی ماوراءالنهر و خراسان بود. اینجا باید از کتاب‌هایی که فقط در باره یک شهر، یا یک ناحیه نوشته شده یاد کرد. این دسته از کتاب‌ها برهمه‌ی کتاب‌های نامبرده‌ی در بالا ترجیح دارد. از آن جمله است: «بخارای نرشخی»، «کتاب ملازاده» - که در باره‌ی مزارهای بخار است - و همچنین تعدادی از کتاب‌های معاصرین مانند: «بخارای فری» و...، اهمیت این کتاب‌ها از آن جهت است که مؤلف کتاب تحقیق خود را محدود به یک ناحیه از نواحی خراسان و ماوراءالنهر کرده است، و تمام زوایای موضوع را در نظر گرفته، و چون موضوع تحقیق نویسنده محدود بوده، بنابراین به خوبی از عهده‌ی انجام آن برآمده است.

۷ - در این دسته باید از کتاب‌هایی نام برد که مستشرقین در عصر حاضر نوشته‌اند، ولی منظور و هدف آنان بیان وقایع تاریخی و جغرافیایی ماوراءالنهر و خراسان نبوده است بلکه منظور آنان بیان موضوعات فرهنگی و اجتماعی ایران قدیم بوده است، ولی در ضمن بیان این مطالب به نکاتی اشاره می‌کنند که از نظر تحقیق ما، فوق‌العاده

اهمیت دارند ، برای نمونه از «فری» نام می‌بریم ، این محقق بزرگ کتابی به نام «میراث ایران» دارد که ایران باستان را از نظر فرهنگی بررسی کرده است ، ولی جای جای ، در کتاب خود نامی از شهرها و روستاهای خراسان و ماوراءالنهر می‌برد ، و خواهی نخواهی به توصیف آن‌ها می‌پردازد ، که قابل استفاده است . بطروشفسکی نیز کتابی به نام «اسلام در ایران» دارد ، که منظور اصلی نویسندهی آن شرح گروههای مذهبی و فرقه‌های اسلامی در سرزمین ایران است ، اما در ضمن توصیف فرقه‌های اسلامی ، به شهرها و نواحی اشاره می‌کند ، که جزو محدودهی پژوهش ماست از اینجهت ما این کتاب‌ها را نیز در ردیف مراجع خود قرار دادیم .

۸ - در این تحقیق از کتاب‌های نویسندگان معاصر ایران نیز بهره برده‌ایم ، بنابراین نام کسانی چون تقی زاده و صفا و اقبال آشتیانی را نباید از نظر دور داشت .

۹ - از کتاب‌هایی که به ندرت مورد استفاده تاریخ‌نویسان و مستشرقین قرار گرفته ، ولی نگارنده این سطور به آن‌ها توجه خاص داشته است ، و برای اثبات مطالب خود در موارد گوناگون حداکثر استفاده را از آن‌ها کرده ، دیوان شعرای ایران در قرون گذشته است ، و در بین اشعار گذشتگان و دیوان شعرا «شاهنامه» فردوسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است . با اینکه ممکن است گفته شود مطالب «شاهنامه» افسانه مانند است ، معذک در این کتاب گاهی به نکاتی اشاره شده که شاید بتواند قدمت شهرها و نواحی ماوراءالنهر را ثابت کند . مثلاً با توجه به مطالب شاهنامه می‌توان گفت سمرقند و بخارا در زمان پادشاهی گشتاسب وجود داشته است ، و نیز دارای اوضاع جغرافیایی و جوی و سوق الجیشی نسبتاً خوبی بوده است ، که

به همین مناسبت پادشاهان در آن روزگاران این نواحی را لشکرگاه خود قرار داده اند .

از دیوان شعرای دیگر نیز می‌توان به وجود شهرها و روستاهایی که در زمان گوینده شعر وجود داشته پی برد .

۱۰ - دائرةالمعارف‌ها نیز در خور اهمیت است که از آن قبیل است دائرةالمعارف اسلامی و بریتانیکا، و . . . اهمیت این گونه کتاب‌ها از آن جهت است که نویسندگان مقالات آن‌ها با توجه به متون تاریخی و جغرافیایی گذشتگان و تحقیقات معاصرین ، مطالبی را درباره‌ی شهرها و روستاهای نواحی مورد نظر نوشته‌اند .

۱۱ - البته در این رساله از گروه کتاب‌های دیگر نیز استفاده شده ، و همان طور که در متن اشاره خواهد شد ، این کتاب‌ها جزو منابع رساله‌ی ما نبوده است ، ولی گاه شاهی یا لغتی و شرحی از آن‌ها برگرفته‌ایم ، مانند «برهان قاطع» ، «آندراج» «الموسوعة العربیة» و . . .

۱۲ - علاوه بر کتاب‌های فوق ، گهگاه از کتاب‌های دیگری نیز استفاده شده است که نشان آن‌ها را در حواشی باید یافت . زیرا این گونه کتاب‌ها را بیش از یکی دوبار مورد استفاده قرار نداده‌ایم و به این جهت نام و نشان و چاپ آن‌ها را در پایین صفحات ذکر کرده‌ایم .

همچنین در مواردی نادر به «قرآن کریم» نیز استشهد شده است . اکنون که ما از معرفی مأخذ و منابع فراغت یافتیم، شایسته است به نواقص منابع و اشکالات کار، اشاره‌ای بکنیم .

با وجود تعدد و تنوع متون تاریخی و جغرافیایی و منابع دیگری که در باره‌ی اوضاع و احوال خراسان و ماوراءالنهر نگاشته شده و در دست است ، دوره‌های مختلف تاریخی و وضع جغرافیایی

روستاها به طور دقیق و یکنواخت روشن نشده است ، و از این جهت نام بسیاری از روستاها و قریه‌ها برای ما نامعلوم مانده و شاید هم برای همیشه نامعلوم بماند ، زیرا آنچه را که نویسندگان ایرانی چه در صدر اسلام و چه بعد از آن در باره‌ی اوضاع و احوال ماوراءالنهر و خراسان نوشته‌اند خالی از اشکال نیست ، ولی در هر حال در شمار منابع دست اول تحقیق در عصر حاضر است . در تألیفات تاریخی مربوط به سلاطین و یا دودمانها ، تنها در مواردی می‌توان اطلاعات جغرافیایی مربوط به بعضی از نواحی و جایها را به دست آورد .

بنابراین ، چون نمی‌توان اطلاع دقیقی درباره‌ی بعضی از روستاها و قریه‌ها پیدا کرد - چون بسیاری از روایات ، سلسله‌سند دقیق ندارند - ناچار شدیم در مواردی تنها به حدس و گمان اکتفا کنیم . از سوی دیگر ممکن است کتاب‌های متعددی در باره‌ی اوضاع و احوال خراسان و ماوراءالنهر وجود داشته باشد ، ولی متأسفانه هنوز این کتاب‌ها به دست نیامده است ، و تعدادی هم که در دست است به ندرت صحیح و کامل چاپ شده‌اند .

با همه‌ی این مشکلات ، این بنده با بضاعت مزجاة تا آنجا که در حد توان داشت کوشید شمه‌ای از اوضاع و احوال شهرهای خراسان قدیم را به اختصار هر چه تمامتر که در خور این تألیف بود بیان نماید ، تا چه قبول اقتد و چه در نظر آید .

اکنون که از این مقدمه فراغت یافتیم باید بگوییم که :

اهمیت شهرها و نواحی خراسان و ماوراءالنهر در دوران‌های گذشته چیزی نیست که از دیده‌ی کسی که اندک آشنایی به این نواحی دارد پوشیده بماند ، و همانطور که قبلا هم به آن اشاره شد ، کتاب زیادی در این زمینه به رشته‌ی تألیف در آمده و نویسندگان

آن‌ها هر کدام به‌وجهی به اهمیت این شهرها اشاره کرده‌اند اما اهمیت موضوع چنین اقتضا کرد که ما نیز به‌وجهی جداگانه و مستقل، آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم .

این بررسی به‌گونه زیر انجام گرفته است :

برای نمایاندن شهرهای بزرگ خراسان و ماوراءالنهر فصلی برای هر یک از آنها گشوده شد ، در این فصل مطالبی مختصر درباره‌ی پیدایش شهر و وجه تسمیه آن ، و همچنین در باره کسانی که قبل از اسلام یا در قرون اولیه‌ی اسلامی در آنجا حکومت داشتند - اگر در کتاب‌های مرجع مطالبی در این باره بود - ذکر کردیم ، و سپس در باره‌ی فتح این شهر به دست مسلمین ، و دین و مذهب مردم ، و حدود و وسعت آن بحث کردیم ، در آخر هم فهرستی از قریه‌ها و روستاهایی را که از توابع آن شهر به شمالی‌رفتند بر حسب حروف تهجی آوردیم ، بنابراین با مطالعه فصول این کتاب می‌توان تا اندازه‌ای به خصوصیات و اوضاع و احوال شهرها و نواحی خراسان و ماوراءالنهر آشنا شد .

اما با صراحت می‌گوییم تقسیم بندی که در این کتاب شده است ، و نظم و ترتیبی که در قسمت‌های مختلف آن رعایت گردیده مانند هر کتاب دیگری که درباره خراسان و ماوراءالنهر نگاشته شده یا می‌شود نه دقیق است و نه کامل از آن جهت دقیق نیست که :

دوره‌های تاریخی خراسان و ماوراءالنهر، و تغییرات و تحولاتی که در این نواحی به وجود آمده - که موضوع این کتاب نمونه‌ای از آن است - به‌طور کامل تاکنون روشن و آشکار نگردیده است ، و چنان نیست که مثلاً وقتی ما در باره‌ی اوضاع و احوال نواحی «بخارا» در قرن اول هجری صحبت می‌کنیم بتوانیم این بحث را تا یک قرن

بعد از آن به همان صورت ادامه دهیم دلیل مطلب روشن است ، چون در قرن های مختلف تاریخی تغییرات فوق العاده چشمگیری در این نواحی از نظرهای گوناگون به وجود آمده است، و متأسفانه منبع کاملاً موثقی هم در زمینه این تغییرات در دست نیست ؛ یا اگر هم باشد تاکنون بر ما مجهول مانده است .

و از آن جهت کامل نیست :

چون در بسیاری از کتاب های تاریخی نامهایی دیده می شود که هیچگونه شرح و توصیفی در باره ی آنها نشده است ، و ما نیز مجبور شدیم که آن نام را بدون هیچگونه توصیفی در متن بیاوریم اما ممکن است بعدها منابعی به دست آید که این واژه ها را به طور کامل توصیف کرده باشد ، آن وقت است که ما به نقص کار خود پی خواهیم برد .

بنابراین ، اگر چه ما بر آن بودیم که وضع یک روستا را از زمان پیدایش تا زمان انهدام به صورت جغرافیای تاریخی بررسی کنیم اما با توجه به مشکلات مذکور ، و با توجه به این که این بررسی حداقل چندین صفحه از کتاب را به خود اختصاص می داد و از سوی دیگر با در نظر گرفتن کثرت روستاها و قریه های مذکور در این رساله اگر این کار به طور کامل انجام می شد بدون تردید این رساله ، بالغ بر چندین هزار صفحه می گردید ، و اگر چه فیش های مربوط موجود است ولی همانطور که گفتیم چون منظور ، خلاصه مطالب بود از اینجهت صرف نظر کردیم ، و به ذکر نامی از روستاها اکتفا نمودیم ، البته در بعضی از موارد که لازم بود شرحی بر آن افزودیم . با این توضیح کاملاً روشن می شود که این کار نواقص فراوان دارد . اما در صورت توفیق بر آنیم که از این پس ، این پژوهش را به صورتی کامل تر از این



انجام دهیم و هر یک از شهرهای بزرگ را عنوان کتابی قرار داده و تا سرحد امکان مطالب لازم را در آنجا آورده و بررسی کنیم، در آن موقع کتاب حاضر، تبدیل به بیش از ۲۰ مجلد خواهد شد، اما کاری است که با یاری خداوند دنبال خواهیم کرد، والله ولی التوفیق.

# کارهای تحقیقی و ترجمه‌های دانشجویان دوره‌های تخصصی

«مقالات و بررسیها» می‌کوشد از این پس با راهنمایی استادان دانشکده، مقالات و ترجمه‌های ارزنده‌ای را که دانشجویان دوره‌های تخصصی تهیه دیده‌اند به نام آنان درج نماید. امید است این کوشش باعث تشویق دانشجویان گردد و نیز اهل مطالعه را سودمند افتد.